

سهم کشمیر در ترویج و پیشرفت زبان و ادبیات فارسی

در سه قسمت (۲)

بعد از انقراض حکومت شهمیری، غازی شاه چک در سال ۹۶۲ هجری امارت کشمیر یافت. او بنیانگذار سلسله پادشاهان چک می باشد. حکومت چکان به مدت بسیار کوتاه یعنی از سال ۹۶۲ تا ۹۹۴ تقریباً ۳۲ سال طول کشید. حکومت چکان به قول حافظ شیرازی: خوش درخشید ولی دولت مسعجل بود.

دوره چکان را باید از نظر پیشرفت زبان فارسی دوره ترقی شمرد چنان که ایشان نیز ادب و فرهنگ فارسی را شعار دربار قرار دادند، پادشاهان این سلسله مذهب تشیع داشتند و در پیروی از پادشاهان صفوی به جای لقب سلطان برای خود لقب شاه و پادشاه اختیار نمودند. روابط فرهنگی میان پادشاهان صفوی و شاهان کشمیر بیش از پیش رونق گرفت و تقویت شد - روابط آنها آن چنان استوار بود که تحایف و هدایا از یکدیگر رد و بدل می شد. دربار چکان مثل خانواده پیشین مهد سرایندگان و نویسندگان فارسی زبان قرار گرفت. کسانی بودند در این دوره از متصوفه، فقها و مشایخ که موجب سربلندی و شهرت این پادشاهان بودند مانند بابا داود خاکی، شیخ حمزه مخدوم، محمد امین مستغنی، بابا طالب اصفهانی، ملا نامی، ملا میر علی و غیر آن.

بابا داود خاکی شاعر و فقیه و متصوف که صاحب تصنیفات منظوم و منثور است، در شعر فارسی تصنیفات مانند ورد المریدین، رساله غسلیه، رساله ضروریه، ریشی نامه، رساله

جلالیه و مجموعه الفواید از خود باقی گذاشت. خاکی، وردالمیریدین را خود به نثر فارسی شرح نوشته است به نام دستور السالکین. با این که کتاب مزبور ضخیم است اما در کشمیر شهرت پیدا کرده و چندین بار چاپ هم خورده است. علاوه بر آن دستور السالکین به زبان اردو، نیز برگردانده شده است. قلمرو زبان فارسی در کشمیر به علت خدماتی که خاکی به این زبان انجام داده است، گسترده تر و وسیع تر گردیده است. تصنیفات خاکی را باید سهم مهم در پیشرفت زبان و ادب فارسی در کشمیر شمرد. اشعارش شیرین است. نمونه زیر از غزلیات او دلیل بر آن است:

که به مسجد روم و گاه به میخانه شوم من بیچاره تورا می طلبم هر سو
توانم که شمارم کرم و نعمت تو گر زبانم شود اندر تن من هر مو
خاکیا! پیر شدی، از طلب یار هنوز از گلستان وصالش نه شمیده سستی بو^{۴۸}

از میان سراینده گانی که به دربار حسین شاه (۹۷۱-۹۷۹) پیوسته بوده اند، یکی ملا میرعلی بود. او علاوه بر شعرگویی در فن نستعلیق نویسی استاد بود. نمونه غزلیات او مندرج به ذیل است:^{۴۹}

گل به دستم چه نهی در کف من خار خوش است این گل تازه بر آن گوشه دستار خوش است
سبوسبوده و خم خم، دل لوند مرا قدح چه آب زند، آتش بلند مرا
ملا نامی نیز از شاعران دربار حسین شاه بوده است. شعر زیر از اوست:^{۵۰}

عروسی ست می، شادی آیین او که نتوان روان داد کابین او
به خاموش چهره، زبانی دهد به فرقت زور جوانی دهد

نمونه ای از غزلیات او:

هرگز دلم به غیر تو مائل نمی شود وز دیده نقش روی تو زائل نمی شود
از دوریت چه باک که از بعد ظاهری اصلاً میان ما و تو حائل نمی شود

بابا طالب از اصفهان بود. قدردانی و مهرورزی که پادشاهان چک نسبت به او نشان داده اند، او به درجه کمال رسید. او نیز به علت بخششها و صلاتی که چکان در حق شاعران صاحب استعداد روا می داشتند، به دربار ایشان پیوست. جهانگیر پادشاه در توزک جهانگیری خود رباعی زیر را از بابا طالب نقل می کند:^{۵۱}

زهرم به فراق خود چشانی که چه شد خونریزی و آستین فشانی که چه شد
ای غافل از آن که تیغ هجر تو چه کرد خاکم بفشارتا بدانی که چه شد

نمونه شعر طالب اصفهانی:^{۵۲}

در حلقه ما زمزمه سور نباشد ما غمزدگان را دل مسرور نباشد

بی روی تو بیرون کنم از دیده نظرا
ویرانه دل چون سر تعمیر ندارد
گر ذوق تماشای تو منظور نباشد
بگذار که این غمکده معمور نباشد

*

از سر کوی تو دل، با دیده تر می رود
حرف شرح و درد دل، گر آشنای لب کنم
شاعر دیگر این دوره پر آشوب محمد امین مستغنی کشمیری ست. نمونه شعر او مندرج به ذیل است:

جهان ز گمشده من، اگر همه خبر است
سیاهی شب ما را ببرد پرتو مهر
سرو دلی که بگیرم از او سراغ کجاست
رخی که در ره ما می نهد چراغ، کجاست
بعضی از شاهان خانواده چک شعر دوست بودند و عده ای از ایشان به شعر و سخن فارسی میل و رغبت به خرج می دادند. برای گشایش زبان فارسی پادشاهان مزبور خوان کرم در دربارهای خود برای مهمانان ایرانی پهن گسترده و خود نیز گاه گاهی با ایشان دمساز و هماواز می شدند. از میان آنها یکی حسین شاه چک بود که در تشکیل محافل علمی و مجالس ادبی گوی سبقت از پیشینیان ربود. او به شعر و سخن نیز علاقه داشت. شعر زیر از اوست:^{۵۴}

حمایل کرده تیغ و بسته خنجر، یار می آید
آن ترک آل پوش سوار سمند شد
دلا، برخیز و کاری کن که جان در کار می آید
یاران حذر کنید که آتش بلند شد
یوسف شاه چک (۹۸۸-۹۹۳) برادرزاده حسین شاه چک که نسبت شاعری هم به او داده اند، در گسترش ادب و فرهنگ فارسی بسیار کوشید. او نیز سخن سنج و سخن پرور و سخن شناس بود. به زبان کشمیری، فارسی، و هندی شعر می گفت. به موسیقی نیز آشنایی داشت. مورخان درباره او می نویسند که یوسف در دربار خود مجالس شعر و سرود می آراست و اکثر اوقات خود را با شاعران می گذراند و با ایشان دمساز و هماواز می شد. اشعار زیر زاده طبع وقاد اوست:

لیلی جمازه را بر مجنون به خود نراند
دل پر درد من جانان، به سان غنچه در خون است
زور کمند جذبه معجز نمای اوست
چه بیرحمی نرسیدی که احوال دلت چون است

*

حکومت شاهان مغول در هند در عهد جلال الدین محمد اکبر شاه (۹۶۳-۱۰۱۴) به صورت یک امپراطوری مقتدر به وجود آمد. بنا بر فتوحات پی در پی در ایالات مختلف هند، اکبر شاه چشم آز بر کشمیر دوخته بود. لذا او چندین بار سپاهیان خود را

به سرکردگی بعضی از فرماندهان نامی برای تسخیر کشمیر فرستاد. پادشاهان چک در مقابل حملات اکبرشاه و نیروی روزافزون او نمی توانستند از وطن خود دفاع کنند. چنان که روشن است در نتیجه حملات اکبر، سلطنت پادشاهان محلی کشمیر در سال ۹۹۴ هجری درهم پاشیده شد. با شکست آخرین تاجدار چک، کشمیر استقلال خود را از دست داد و به عنوان یک صوبه (ایالت) یا استان و به قول ابوالفضل به نام «سرکار کشمیر» شامل امپراطوری اکبرشاه گردید.

تا زمان اکبرشاه گورکانی سخنوران و گویندگان کشمیر از مکتبهای فکری ایران مستقیماً مایه می گرفتند ولی بعد از تسخیر کشمیر به دست سپاهیان اکبر، دروازه های کشمیر برای شاعران و نویسندگان هندی نژاد مانند فیضی، ابوالفضل، ملا عبدالقادر بدایونی، هندوشا، فرشته، ملا احمد تتوی و غیر آنها باز گردید. به طور طبیعی سبک نویسندگی فارسی در کشمیر نیز با مرور زمان تحت تأثیر سبکهای متداول در هند قرار گرفت. چنان که می بینیم که در وهله اول شاعران فارسی گوی کشمیر مکتب وقوع را تقلید کردند و بعداً پیروی از سبک هندی نمودند. شایان تذکر است که شاعرانی مانند شیخ یعقوب صرفی کشمیری، ملا حبیب الله حبیبی نوشهری، میرم بزاز، ملا ذهنی کشمیری و غیر آنها که در ابتدای دوره مغول در کشمیر بودند، همان سبک پیشین متقدمان یعنی سبک خراسانی و سبک عراقی را در آثار خود پیروی می نمودند. بعضی از شاعران و نویسندگان مزبور برای ادامه تحصیلات خود به مناطق مختلف ایران مانند مراکز علمی خراسان، ماوراءالنهر، بلخ، بخارا، سمرقند و... رفته بودند. زیرا این مناطق به کشمیر نزدیکتر بود تا حوزه های علمی هند. همه اینها در کانونهای فرهنگی ایران تربیت یافته بودند. بنابراین ایشان در آثار خود، شاعران و نویسندگان ایرانی را دنبال کردند.

سبک نویسندگی فارسی سرایان کشمیر را می توان در دوره مغولان گورکانی، به سه دسته تقسیم نمود: شاعران دسته اول عبارتند از شیخ یعقوب صرفی کشمیری، خواجه حبیب الله حبیبی کشمیری، باباعلی رینه، نجمی کشمیری، بابا حیدرتیله مولی، بابا داود مشکوتی، ملا ذهنی کشمیری، میرم بزاز و غیر آنها. این شاعران و نویسندگان چنان که اشاره شد در آثار خود سبک خراسانی و سبک عراقی را پیروی کرده اند و از نظر انگیزه فکری، آثار ایشان جنبه مذهبی و صوفیانه و اخلاقی دارد. شاعران دسته دوم کسانی هستند که مکتب وقوع را پیروی نموده اند. شاعرانی که به تقلید این سبک پرداخته اند، در کانونهای تمدن فارسی ایران و هند تربیت یافته بودند مانند مظهری کشمیری، اظهري کشمیری. شاعران و نویسندگان دسته سوم در شعر و نثر فارسی خود پیروی از سبک هندی

نمودند: ملا طاهر غنی کشمیری، ملا محسن فانی کشمیری، گویا کشمیری جویا، ملا ساطع و مانند اینها که سبک هندی را در کشمیر به اوج خود رسانیده اند.

در آغاز دوره مغولان در کشمیر شیخ یعقوب صرفی کشمیری شاعر به نام بوده است. او برای دانش افزایی و تکمیل تحصیلات به مراکز مختلف ایران رفت و در آن جا علوم فقه و شرح و تفسیر قرآن و ادبیات فرا گرفت. علاوه بر این که صرفی عالم دین بود، در شعر و سخن گوی سبقت از اقران خود ربوده بود. حضرت مجدد الف ثانی شیخ احمد سرهندی یکی از شاگردان صرفی بوده است. صرفی نخستین شاعر کشمیر است که در مقابل خمسه نظامی گنجوی پنج مثنوی (پنج گنج) نوشت. مثنویات خمسه او عبارتند از: مسلک الاخیار (سال تصنیف ۹۹۳) و امق و عذرا (سال تصنیف ۹۹۳)، لیلی مجنون (سال تصنیف ۹۹۸)، مغاز النبی (سال تصنیف ۱۰۰۰)، مقامات مرشد (سال تصنیف ۱۰۰۰). در مقابل لواط جامی، صرفی در سال ۹۷۶ کتاب روایح را به نثر فارسی نوشت. از کتابهای دیگر او کنزالجواهر، دیوان صرفی، رباعیات صرفی، تعداد رباعیات ۱۱۰ (سال تصنیف ۹۶۲) - ذکریه، مناسک حج، مطالب الطالبین (تفسیر فارسی قرآن مجید) حاشیه توضیح و تلویح، شرح صحیح بخاری می باشند.

اکثر تصنیفات صرفی به شکل نسخه های خطی در کتابخانه های مختلف جهان محفوظ است.

اشعار صرفی رنگ عارفانه و عاشقانه دارد. او درباره اوضاع سیاسی و مذهبی ایران اطلاعاتی بسیار جالب فراهم می سازد. او در قزوین به توسط یکی از مقامات دولتی با پادشاه ایران شاه طهماسب صفوی نیز ملاقات نموده است. درباره او می گوید:

به قزوین مرا مهربانی نمود شریف شریفی که او صدر بود
به طهماسب آن شاه کشور گشا مرا ساخت آن نامور آشنا
به حال بسی ملتفت بود شاه من از صحبتش جسته با حق پناه^{۵۶}

درباره حرم امام رضا در مشهد نیز چیزی شنیدنی دارد. می گوید:

به مشهد شدم مستفیض از امام علی بن موسی علیه السلام
امام رضا شاه عالم مدار غلامش چو معروف چندین هزار
رفیقم در آن سیر بوده زنی زنی، نی که خوش مرد مرد افگنی
لقب آفتی و به طبع لطیف شده آفت هر وضع و شریف
ولسی بوده اعمی و عیب عمی نبودیش مانع ز فیض خدا
بسی بود خوشگویی و در شاعری نمودی در این فن، فن ساحری

من و او در آن گنبدِ پر صفا
 شبی بگذراندیم با هم تمام
 ولی او به ناگاه سر در سجود
 مؤذن زمانی که در بامداد
 از آن خواب برخاست بپوشید
 دو چشم از غبار عمی صاف و پاک
 چو بینا شده آن چنان دیدمش
 بگفتا که من خود بدیدم امام
 من این چشم بر پرده مالیدمی
 خطاب از ادب کردمی با امام
 شدم باز بیدار بینا دو چشم

نمونه غزلیات صرفی:

گیتی نماست آئینه صاف جام ما
 آئینه خدای نما جام باده است
 دور جم است و عهد سکندر به کام ما
 ای غافل از خدا چه کنی عیب جام ما

*

ما را چه عیب می کنی ای شیخ صبح خیز
 تا ساخته ام دانه و آب از سرشت خویش
 روشتر آمده ست ز صبح تو، شام ما
 شد مرغ آشیانه لاهوت رام ما

ژرف نگار علم انسانی و مطالعات فرهنگی

باده و اشک من و خون جگر هر سه یکی ست
 تا به کام دگران است لب شیرینت
 کهر با ورخ زرد من و زر هر سه یکی ست
 زهر در کام من و شهد و شکر هر سه یکی ست

*

نیست در صورت بتان جز دوست
 گرچه جایی هیچ سویش نیست
 نیست بیرون ز طالبان مطلوب
 نیست خالی ز رنگ او رویی
 گه طیب است و گه بیمار است
 گل ز رنگ رخس بود رنگین
 به غم اوست مبتلا صرفی
 همه را عاشقیم چون همه اوست
 همه جا جلوه هایش از همه سوست
 پس چرا بهر وصلش این تگ و پوست
 گاه گلروی و گه گل خود روست
 گاه افسونگر است و گه جادوست
 سنبل از بوی زلف او خوشبوست
 نه اسیر بتان نیکوروست

*

شاه خوبان جهان آمده سلطان مقصود
گرچه در باغ جهان است، سهی قد بسیار
به جهان اوست مرا، از همه خوبان مقصود
ما نداریم جز آن سرو خرامان مقصود^{۵۹}

*

ای مرا هر دم ز عشقت عالمی در عالمی
غم ندارم گر چراغی نیست در کلبه ام
شور و غوغای دگر هر لحظه در هر عالمی
گردد از یک شعله آهم منور عالمی^{۶۰}

*

عشقبازی را سزد عمر ابد
وہ کہ با این عمر کوتہ عاشقم^{۶۱}

*

عیسی و خضر اگر همنفس من گردند
درد من دیده به جان طالب مردن گردند^{۶۲}

*

گر هوای حال داری ترک قیل و قال کن
حییب الله نوشهری متخلص به حبی نیز از شاعران برجسته این دوره بوده است.
اشعارش متصوفانه و عارفانه است. او خرقة ارشاد از صرفی دریافت نموده بود. مانند استاد
خود، حبی قصیده سرایی و چکامه نویسی را برای خود ننگ تصور می کرد. تصنیفات او در
شعر فارسی عبارتند از: تنبیه القلوب، راحت القلوب، مرآة الغیوب، رسالت الانصاف،
مقامات حضرت ایشان (صرفی)، و دیوان اشعار شامل غزلیات، قصائد، مقطعات و
رباعیات. در نثر فارسی رساله ای از او باقی مانده است. تمام تصنیفات حبی در سریناگر
به چاپ رسیده است. نمونه ای از غزلیات حبی:

ساقی بیار کاسه گلگون شراب را میسند آب چشمه کوثر شراب را
مطرب بساز نغمه شیرین جان نواز با مطرب بهشت بدان این رباب را^{۶۴}

*

ای که بهشت برین بی تو عذابم عذاب
گرمی شوق چه کرد، نرمی ذوق چه کرد
هر دو جهان را سفر کرده ام از دل به سر
ای شه خوبان من، وی مه تابان من
بی تونه کوه است و کاه، بی تونه روی ست و راه
حبی بیچاره بین، اشک فشان بر زمین
آتش دوزخ همه با تو گلابم گلاب
دیده پرآبم پرآب، سینه کبابم کباب
آمده اندر نظر، جمله سراپم سراب
بی تونه شاه و گدا، بی تونه شیخ است و شاب
بی تو کدام است ماه، بی تو کدام آفتاب
کرده زراعت چنین، زوست طعام و شراب

*

آن شوخ ترکمان و غزلخوان من کجاست تاراج خان و مان و دل و جان من کجاست

*

ملآنه مشکل تو شود حلت از کتاب وجدانی است و حل شود از نغمه رباب^{۶۵}

*

دلا بگو که چه این اختلاف ادیان است یکی چه کافر و دیگری چرا مسلمان است

*

دل من مست شده در ازل از جام الست رفته از هوش و خرد تا به ابد آمده مست

واعظا! ترک می از بنده مسکین مطلب عهد کردم ز ازل تا که شوم باده پرست

دست ساقی چو مرا از می وحدت پر کرد شده ام جام صفت، آمده ام دست به دست

برخیز تا زهر موی سری سر سازم از دیده دل همیشه منظر سازم

باشد که کند جلوه گری دلبر ما هر لحظه سری فدای دلبر سازم

از میان شاعران دوره مغول که با جذبه و حال نیز سرشار بوده است، یکی میرم بزاز می باشد. او صاحب حال بود و در عرفان از حضرت شیخ حمزه مخدوم، بزرگترین عارف زمان خود، کسب فیض کرد و معرفت حق یافت. درباره احوال و اذکار استاد معنوی و پیران طریقت خود کتابی به نثر فارسی از او یادگار مانده است به نام تذکرة المرشدین (سال تصنیف ۹۹۷). غزلیات میرم عاشقانه است پر از جذبه و شوق گویا زخمه ای بر دل می زنند. غزلیاتش رنگ غنایی دارند. در شعر از او تنها «سی غزلی» باقی مانده است. نمونه غزلیات او:

یار رب آن بیرحم با ما یار بودی کاشکی دوست با ما، دشمن اغیار بودی کاشکی

یار بر عشاق خود ای کاش بودی مهربان با رقیبان بر سر آزار بودی کاشکی

یک شب از بخت بدم آن مه گذر بر من نکرد بخت خواب آلود ما، بیدار بودی کاشکی^{۶۶}

*

جان بیمار مرا هست لب یار علاج نیست جز نوش بدین خسته بیمار علاج

جانب خسته دلان گر گذری از ره لطف خستگان را شود از شربت دیدار علاج^{۶۷}

مظهری کشمیری نماینده مکتب وقوع می باشد. او نیز مانند معاصران خود برای تکمیل تحصیلات به ایران مسافرت کرد و با شاعرانی مانند میرزاقلی میلی، ولی دشت بیاضی، و میرک صالحی ملاقات و معاشرت داشت. او در غزلیات خود طرز وقوع را به خوبی پیروی نموده است. دانشمند و مستشرق معروف پروفیسور ای. جی براون، مظهری را در میان شاعران دربار شاه عباس کبیر ذکر نموده است.^{۶۸} از دیوان اشعار مظهری فعلاً

چند تا قصائد دارای ۱۱۷۴ بیت به دست آمده و در کتابخانه ایشیاتک سوسایتی آف بنگال (کلکته، هند) به شماره ۱۱۹ محفوظ و مضبوط است.^{۷۰}

ملا عبدالرشید بینوا نیز از شاعران متصوفه این دوره است. اشعار او عاشقانه است:

جمال یار را دیدم در این گلزار می رقصم چه باشد گل که از مستی سر هر خار می رقصم
 خریدار غم عشقم، سر سودای او دارم گرفته نقد بر کف بر سر بازار می رقصم
 سماع غیر رقصاند مرا ای بینوا هر دم نه از چنگ و نه از بربط ز موسیقار می رقصم^{۷۱}

تعداد فارسی سرایان و سخنوران این دوره بسیار است و اگر تک تک به ذکر آنها پردازیم سخن به درازا می کشد. بنا بر این به ذکر اسامی بعضی از مشاهیر شعرا بسنده می کنیم: ملا عثمان ذهنی کشمیری، ملا اوجی کشمیری، طلوعی کشمیری، نجمی کشمیری، فطرتی کشمیری، لذتی کشمیری، بزرگی بیگم، اظهاری کشمیری، فصیحی کشمیری، ملا صالح کشمیری، محمد طاهر غنی کشمیری،^{۷۲} نافع کشمیری (برادر غنی)، آخوند طیب کشمیری،^{۷۳} مشتاق کشمیری،^{۷۴} ملا محمد اسلم سالم کشمیری،^{۷۵} داراب بیگ جويا کشمیری،^{۷۶} کامران بیگ جويا کشمیری، بینش کشمیری،^{۷۷} میرزا عبدالغنی بیگ قبول، عبدالرسول استغنا کشمیری،^{۷۸} گرامی کشمیری،^{۷۹} و ملا ندیم و....

ملاغنی کشمیری نماینده شاعران طرز هندی یا سبک هندی در کشمیر است. او یکی از بزرگترین شاعران زمان خود بود. با آن همه که کلیه اشعار او در دست نیست، اما دیوان اشعارش بالغ بر سه هزار بیت دارد. دیوان او سه بار چاپ خورده است. نمونه غزلیات او:

جنونی کو که از قید خرد بیرون کشم پا را کنم زنجیر پای خویشان دامان صحرا را
 به بزم می پرستان محتسب خوش عزتی دارد که چون آید به مجلس شیشه خالی می کند جا
 غنی، روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن که روشن کرد نور دیده اش چشم زلیخا را^{۸۱}
 از شرم توبه در عرقم کو شراب ناب بساید متاع ترشده را داد آفتاب
 هر کس که داد تن به بلا ایمن از بلاست ویران کجا ز موج شود خانه حباب
 تا بر نیامده ست ز کامم زبان غنی چرخ سیاه کاسه چو کلکم نداد آب^{۸۲}

*

به راه شوق تو ای آفتاب عالمگیر چو اشکِ شمع، مرا عمر رفت در شبگیر
 کجا ز دست خدنگ تو جان برد نخجیر پرنده ای ز کمالت نجست غیر از تیر
 به خانقه مبر اسباب می کشی ساقی که هست کشتی می را خطر ز موج حقیر^{۸۳}

*

بیا ساقی شبستان مرا امشب منور کن ز روزن تا در آید آفتابم می به ساغر کن

غنی فصل بهار آمد گل عیشی توان چیدن برون آور چونرگس زرز خاک و صرف ساغر کن^{۸۴}

ادیبان و نویسندگان کشمیر علاوه بر شعر، توجه ویژه ای به نثر فارسی معطوف داشته اند و بسیاری از آثار مهم و پراچ فارسی به جا گذاشته اند. از آثار باقی مانده دانشمندان دوره مغولان گورکانی هند بر می آید که نثر فارسی در این عصر به اوج کمال رسیده بود. دانشمندان این دوره تألیفات بسیار در رشته های مختلف از علم و ادب به وجود آورده اند. تألیفات مشهور این دوره متعلق است به رشته های تاریخ، تذکره، تصوف و عرفان، اخلاق، طب، لغت، فقه، و مذاهب گوناگون مانند شیعه، سنی، و... .

فن تاریخ نویسی در این دوره رو به ترقی نهاد و بعضی از تواریخ مهم و سودمند به زبان فارسی تألیف شد. از آن جمله می توان تألیفات زیر را نام برد:

تایخ کشمیر تألیف سید علی (تألیف دوره اکبر شاه گورکانی)، منتخب التواریخ از حسن بیگ خاکی (سال تصنیف دوره اکبر شاه)، بهارستان شاهی، از مصنف ناشناخته (سال تصنیف ۱۰۲۳)، تاریخ کشمیر تصنیف حیدر ملک چادوره (سال تصنیف ۱۰۲۹)، واقعات کشمیر اثر خواجه محمد اعظم دیده مری، گوهر عالم از محمد اسلم منعمی، نوادر الاخبار از رفیع الدین غافل (در عهد اورنگ زیب) در همین دوره تألیف شده است. نسخه های خطی تاریخ نادری و شجاع حیدری در کتابخانه آصفیه سرکار عالی استان آندرا پردش محفوظ می باشند. تاریخهای مزبور به تتبع آثار متقدمین ایران تحریر شده است.

فرهنگ نویسی نیز در سرزمین هند به اوج رسید و مهمترین لغات فارسی مانند فرهنگ جهانگیری، برهان قاطع، فرهنگ آندراج و... در همان سرزمین تألیف شد. دانشمندان کشمیری در زمینه لغت نویسی فارسی از فرهنگ نویسان هند عقب نماندند. شایان تذکر است که دانشمندان کشمیر علاوه بر این که بعضی کتب مهم فارسی را حاشیه نوشته اند، کتب لغت نیز تألیف نموده اند. جمال الدین اینجو به دستور جهانگیر بن اکبر پادشاه، فرهنگ جهانگیری را در سال ۱۰۳۲ هجری در محیط آرام و کیف آور کشمیر به فراغت به اتمام رسانید. ملاساطع کشمیری، شاعر دوره مغول نیز فرهنگ فارسی به نام حجت ساطع، تألیف نمود. متأسفانه از این فرهنگ نسخه ای در دست نیست.

در حقیقت مهمترین آثار منشور ادبی فارسی در کشمیر به تصوف و عرفان تعلق دارد، زیرا مبلغان ایرانی که مهاجرت به خطه کشمیر می نمودند، خودشان از تصوف و عرفان بهره برده بودند و در جریان تبلیغات، مردم کشمیر را از تصوف و عرفان نیز تعلیم می دادند. بدین سبب است که تصوف در روح ادبیات فارسی در کشمیر سرایت کرده است. صوفیان

کشمیر برای تشریح و ترسیم احساسات عارفانه خود از صوفیان برجسته ایران بهره گرفته اند و آثار عارفانه ابوسعید ابی الخیر، هجویری، سنائی، غزالی، عطار، مولوی، سعدی، حافظ، جامی و... سرمشق و مورد تقلید آنها قرار گرفته است، این صوفیان به سلسله های مختلف مانند سلسله کبرویه، سلسله سهروردیه، سلسله چشتیه، سلسله قادریه، سلسله نقشبندیه و... بستگی داشته اند و تألیفات و تصنیفات کثیر در ترویج و تشهر سلسله های مزبور به وجود آورده اند. تصنیفات فارسی مانند هدایت المخلصین تألیف بابا حیدر تیله مولی (سال تصنیف ۹۹۳)، رساله سلطانی از مولوی شیخ احمد چاگلی (سال تصنیف ۹۸۰) راحت الطالبین از خواجه حسن قاری (سال تصنیف ۹۸۲) چلچله العارفین (یعنی چهل چله عارفین) اثر خواجه اسحق قاری حلیم (سال تصنیف ۹۸۲)، تذکره العارفین تصنیف بابا محمد علی رینه (تصنیف در میان سالهای ۹۹۲ و ۹۹۷) درباره عقاید حضرت شیخ مخدوم و پیران طریقت و سلسله سهروردیه و اذکار و افکار ایشان نگاشته شده است، آثار فارسی مانند فتحات الکبرویه از عبدالوهاب نوری (سنه تصنیف ۱۱۶۲)، رساله در تصوف اثر حبی نوشهری، مسلک الاخیار از صرفی که به عقائد اذکار سلسله کبرویه در آن مورد بحث قرار گرفته است، سهم بزرگی در ترویج زبان فارسی دارند. بعضی از تصنیفات این دوره مربوط است به احوال و آثار بزرگان و صوفیان وابسته به سلسله قادریه. معروفترین آنها فتحات قادریه از محمد حسین قادری منطقی (سال تصنیف ۱۲۸۲)، مثنوی قادریه از بهاءالدین متومی باشد. این ملا متو درباره سلسله چشتیه نیز اثری به جا گذاشته است به نام چشتیه. محتویات این مثنوی همانا ذکر جمیل اولیاء و بزرگان چشت می باشد. مرآة طیبه و فتاوی نقشبندی دو تصنیف دیگر از خواجه معین الدین نقشبندی است که ارزش و اهمیت فراوان دارند.

در زمینه تصوف و عرفان تصنیفاتی که مربوط به مسلک ریشی و عقائد ریشیان در کشمیر به رشته تحریر درآمده، از جمله ابتکارات دانشمندان و نویسندگان کشمیر می باشد، زیرا هیچ کتابی راجع به این مسلک در خارج از مرزهای کشمیر مرقوم نشده است. «ریشی» از واژه سانسکریت رکهی (Rikhi) مشتق است و ریشی کسی را می گویند که همه وقت در معرفت حق تعالی مشغول باشد و رو به بیا بانها و جنگلها و دشتها می آورد. به خوردن رستنیهای خودرو که در صحراها و دشتها رشد می کند، زندگی خود را بر آن کفاف می کند. ریشیان شب و روز مشغول به عبارت می باشند، مجرد زندگی می کنند، زن نمی گیرند، گوشت نمی خورند، هیچ کس را نمی آزارند و شغل آنها صرفاً عبادت حق تعالی و کشتن درختهای میوه دار است برای نسلهای آینده (future generation) و خود

از آن تمتع نمی گیرند.

تعداد کتابهای فارسی که دربارهٔ مسلک ریشیان و عقائد و آثار ایشان به نگارش رسیده، بسیار است و اما از نظر محتویات و مطالب، کتابهای زیر بسیار سودمند هستند و اعتبار دارند: ریشی نامه (سال تصنیف ۹۸۸) از بابا داود خاکی، تورنامه از بابا نصیب الدین غازی (تصنیف در عهد جهانگیری)، منهاج الریشیه تصنیف بابا داود مشکوتی، ریشی نامه (منظوم به سال ۱۲۲۳) اثر ملا بهاء الدین متو، ریشی نامه، تصنیف بابا کمال (سال تصنیف ۱۲۵۱)، روضة الریاض تصنیف بابا خلیل و غیر آنها. بدون تردید این آثار گرانبهای فارسی اختصاص به سرزمین کشمیر دارد.

آثار فارسی در مورد سیر صوفیان، اولیا، و شعرا نیز از اهمیت خاص برخوردار است. دانشمندان و نویسندگان کشمیر در دورهٔ مغولان گورکانی هند به نوشتن تذکرهٔ احوال و سیر اولیا و شعرا نیز پرداخته اند. و تذکره های جالب به رشتهٔ تحریر در آورده اند مانند تذکرهٔ شعراء کشمیر از اصلح میرزا، تذکرهٔ سرخوش کشمیری، نظم بدیع از محمد امین گانی (تصنیف ۱۰۷۶). واقعات کشمیر از محمد اعظم دیده مری.^{۸۶} تذکرهٔ اولیا و مشایخ و صوفیان کشمیر مانند خوارق السالکین یا تایخ هادی تصنیف احمد بن الصبور کشمیری (سال تصنیف ۱۱۰۹)، اسرارالابرار تصنیف بابا داود مشکوتی (سال تصنیف ۱۰۶۵)، طبقات شاهجهانی از محمد صادق کشمیری (سال تصنیف ۱۰۴۶) که مشتمل بر ده طبقه دربارهٔ مشاهیر، علما، فضلا، اطبا، شعرا و غیر آنها می باشد، تحفة الفقرا از محمد مراد تینگ.

در زمان مغولان نه تنها مسلمانان به کسب زبان و ادب فارسی پرداختند بلکه هندوها و برهمنان نیز برای فراگرفتن این زبان شیرین میل و رغبت نشان داده اند، و آثار بسیار پر ارج فارسی از خود به جا گذاشته اند. در میان شاعران نامی اهل هنود که سهم بزرگی در ترویج زبان فارسی داشته اند چندر بهان برهمن (نژاد کشمیری) رئیس دارالانشاء و وقایع نویس دربار شاهجهان پادشاه معروف است. او آثار مهم فارسی از خود باقی گذاشته است. از آثار او دیوان اشعار فارسی، چهار چمن، گلدسته، تحفة الانوار، کارنامه یا نگارنامه، تحفة الفصحا، مجمع فقرا، رقعات برهمن، انشای هفت گلشن و... عالم نامدار دیگر از اهل هنود کشمیر نندرام پرماتند متخلص به غریب به دستور شاهزاده داراشکوه پسر شاهجهان کتاب سانسکریت «اپنشد» را به فارسی برگردانیده است.

بخش تخصصی زبان فارسی

دانشگاه کشمیر، سریناگر، هندوستان

پانویسها:

- ۴۸- تذکره شعرای کشمیر از حسام الدین راشدی، جلد ۱، ص ۲۲۵.
- ۴۹- واقعات کشمیر، ص ۱۱۵؛ تاریخ حسن، ج ۴، ص ۳.
- ۵۰- ایضاً.
- ۵۱- توزک جهانگیری، ص ۲۸۹، چاپ نولکشور؛ آئین اکبری، جلد ۱، ص ۲۶۰؛ مآثر جهانگیری، ص ۲۸۳-۲۸۴؛ منتخب التواریخ، از عبدالقادر بدایونی، ج ۳، ص ۲۶۵، انتشارات ایشیاتک سوسایتی آف بنگال.
- ۵۲- واقعات کشمیر، ص ۱۱۵؛ تاریخ حسن، ج ۴، ص ۴.
- ۵۳- ایضاً.
- ۵۴- ایضاً؛ تاریخ حسن، ج ۲، ص ۲۹۶.
- ۵۵- در کتابخانه تحقیق و اشاعت سریناگر نسخه های خطی زیر از آثار صرفی نگهداری می شود: خمسة صرفی (پنج گنج صرفی)، شماره ۱۳؛ دیوان صرفی، شماره ۲۳۰۴؛ روایح صرفی، شماره ۴۰؛ کنزالجواهر، شماره ۱۹؛ رباعیات صرفی، شماره ۳۱۰؛ ذکریه، شماره ۳۷؛ توضیح تلویح، شماره ۳۲۰؛ دیوان صرفی با مقدمه میر حبیب الله کاملی در سال ۱۳۸۷ در سریناگر منتشر گردید؛ رشحات کلام صرفی با مقدمه مفصل از محمد طیب صدیقی در سریناگر به چاپ رسید؛ مغازالنبی در سال ۱۲۹۶/ ۱۸۷۹ در لاهور چاپ شده است.
- ۵۶- مغازالنبی، ص ۱۴، چاپ لاهور، ۱۲۹۶.
- ۵۷- همان، ص ۱۳.
- ۵۸- تمام غزلیات از کتاب فارسی سرایان کشمیر، تألیف دکتر گ. ل. تیکو، انتشارات انجمن ایران و هند، چاپ ۱۳۳۲، تهران، از ص ۲۰ به بعد نقل شده است.
- ۵۹- دیوان صرفی، چاپی، ص ۱۵۳.
- ۶۰- همان، ص ۲۶۸.
- ۶۱- همان، ص ۲۲۳.
- ۶۲- همان، ص ۱۱۷.
- ۶۳- همان، ص ۳۳۸.
- ۶۴- دیوان حبیبی، برگ ۶ الف، نسخه خطی مملوکه شادروان دکتر سید محمد امین قادری، دانشیار اسبق گروه فارسی دانشگاه کشمیر.
- ۶۵- همان، برگ ۶ الف و ب.
- ۶۶- سی غزلی، میرم بزاز، ص ۱۶ نسخه خطی کتابخانه تحقیق و اشاعت سریناگر، شماره ۵۲۹.
- ۶۷- همان، ص ۴.
- ۶۸- مکتب وقوع در شعر فارسی، گلچین معانی، ص ۴۳۹، به حواله خلاصه الاشعار.
- ۶۹- Literary History of Persia, E.G. Brown, Vol. II, Page 173.
- ۷۰- فهرست نسخه های خطی فارسی، از منزوی، ج ۳، ص ۲۵۳۵، تهران ۱۳۵۰ ه.ش.
- ۷۱- کشمیر مین فارسی ادب کی تاریخ، پروفیسور عبدالقادر سروری، ص ۱۰۰.
- ۷۲- نسخه های خطی دیوان غنی در کتابخانه های مختلف کشمیر محفوظ است. دیوان غنی دوبار به توسط فرهنگستان جامو و کشمیر به طبع رسیده است. قبلاً این دیوان با مقدمه شاگرد او محمد علی ماهر در سال ۱۹۳۱ میلادی در شهر لکنهو هند به چاپ رسیده است.
- ۷۳- یک نسخه خطی دیوان طیب، محیط بر ۴۴۹ برگ در کتابخانه رضا رامپور موجود است.
- ۷۴- دیوان مشتاق کشمیری را آقای دکتر شمس الدین احمد با مقدمه مفصل ترتیب و تصحیح نموده و به عنوان

- پایان نامه تحصیلی برای اخذ درجه دکتری به دانشگاه تهران تقدیم نموده است. هنوز این دیوان چاپ نخورده است.
- ۷۵- دیوان محمد اسلم سالم که در سال ۱۱۳۳ استنساخ شده است و محیط بر ۲۶۳ برگ است در کتابخانه رضا رامپور موجود است. نسخه دیگر از دیوان محمد اسلم در کتابخانه خدا بخش بانکی پور پتنا محفوظ است.
- ۷۶- دیوان مرزا داراب بیگ جو یا مشتمل بر ۴۵۹ برگ در کتابخانه خدا بخش بانکی پور پتنا موجود است.
- ۷۷- دیوان ینش در کتابخانه خدا بخش نگهداری می شود و مثنویات ینش در موزه سالار جنگ حیدرآباد محفوظ است. مثنویات ینش بدین قرار است: ۱- ینش الابصار؛ ۲- گلدسته؛ ۳- گنج روان؛ ۴- شور خیال؛ ۵- رشته گوهر.
- ۷۸- دیوان استغنی، متوفی ۱۰۸۲ در کتابخانه مولانا آزاد، دانشگاه علیگره (یو-پی) موجود است.
- ۷۹- دیوان گرامی پسر عبدالغنی بیگ قبول در کتابخانه ایشیاتک سوسایتی آف بنگال، به شماره ۲۸۶ محفوظ است.

۸۰- دیوان ندیم، شامل ۲۵ برگ در کتابخانه اندیا آفس (دیوان هند) بریتانیا موجود است.

۸۱- فارسی سرایان کشمیر، گ - ل - تیکو، ص ۳۷.

۸۲- همان، ص ۳۸.

۸۳- همان، ص ۴۱.

۸۴- همان، ص ۴۲.

۸۵- توزک جهانگیری، ص ۳۰۶، چاپ نولکشور.

۸۶- بعضی از آثار دیگر محمد اعظم دیده مری که در کتابخانه های مختلف محفوظ است عبارتند از: قوائد المشایخ

(۱۱۳۱)؛ اشجار الخلد (۱۱۴۰)؛ ثمرات الاشجار (۱۱۴۰)؛ رساله فوائد الرضا، (۱۱۳۵)؛ وسیلة الوصول الی دیار رسول؛

تجرید الطالبین (۱۱۲۵)؛ روضة الاخضر فی شرح کبریت احمر.